



مفهوم رند و رندی در اشعار حافظ

عبداللطیف لطیف طالبی *

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود
 «رند» و «رندی» واژه و مفهومی است که در دیوان حافظ بیش از دیوان هر شاعر
 دیگری به کار رفته و در مورد معنای آن بحثهای بسیاری صورت گرفته است. گرچه بعد
 از سنایی، اصطلاحات «رند» و «رندی» را در اشعار عطار، سعدی و از جمله در شرح
 گلشن راز محمود شبستری می توان دید، اما این حافظ است که بیش از همه از «رند» و
 «رندی» صحبت به میان می آورد. چنانکه می دانیم واژه رندی عبارت است از پایبند
 نبودن به ارزشهای اجتماعی، عدم اطاعت از نهادهای رسمی، سرکشی نسبت به راه و
 رسم و سنن همگانی و بی بند و باری و توجه نداشتن به ضوابط و قوانین جامعه؛ اما نزد
 حافظ رند و رندی به مفهوم دیگری است. رندی از دیدگاه او عبارت است از ستیز با
 ریاکاری و تقوای دروغین، آگاهی به اسرار دل، بی ریایی، آزادگی و داشتن همت عالی.
 حافظ زندگی رندانه را سفارش می کند و می کوشد تا سرحلقه رندان جهان باشد.
 طریقه ای که اساسی ترین ویژگی آن بی آزاری است:

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در طریقت ما غیر از این گناهی نیست
 یا:

من از بازوی خود دارم بسی شکر که زور مردم آزاری ندارم

* - استاد زبان پشتو دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو.

در نظام یا حکمت نظری رندان، عشق بنیادی است که هستی موجودات بر روی آن قرار گرفته است و یگانه ابزار کشف حقیقت شمرده می شود و رندی وجود ندارد که عاشق نباشد و اگر عاشق نباشد، رند به شمار در نمی آید. تلازم عشق و رندی در اشعار حافظ چنان مشهور است که برخی از محققان رندی را یکسره عاشقی دانسته اند و عاشقی را رندی:

همیشه پیشه من عاشقی و رندی بود / دگر بکوشم و مشغول کار خود باشم
یا:

روز نخست چون دم رندی زدیم و عشق / شرط آن بود که جز ره آن شیوه نسپیریم
و هر دو آنها را فضیلتی بزرگ می داند:

تحصیل عشق و رندی آسان نمود اول / آخر بسوخت جانم در کسب این فضایل
و به تعبیر حافظ تنها رندان هستند که به آن راز پوشیده از نگاه دیگران پی برده اند:
راز درون پرده ز رندان مست می رس / کاین حال نیست زاهد عالی مقام را
یا:

مصلحت نیست که از پرده بیرون افتد راز

ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست / و مطالبات گاه علوم است
حافظ رندی را حکم الهی می داند و به دیگران نسبت به بدگویی از رند هشدار می دهد:

بد رندان مگو ای شیخ و هشدار / که با حکم خدایی کینه داری

حافظ رندی را تنها راه آزادی و بری بودن از آفت ریاکاری می داند. حافظ بر این باور است که همین که فرد جامه زهد و تقوا را بر تن کند، مجبور می شود برای کسب معاش و مقام، بسیاری از اصول و ارزشهای جامعه خود برسمیت بشناسد و به آن عمل کند:

در خرقه ازین بیش منافق نتوان بود / بنیاد از این شیوه رندانه نهادیم

واژه خرقه که به کرات در غزلهای حافظ به کار رفته، به عنوان نقطه مقابل رندی و نشانه ای از تقوای ریاکارانه مورد طعن و نکوهش قرار گرفته است:

در خرقه چو آتش زدی ای عارف سالک / جهدی کن و سرحلقه رندان جهان باش
برخورد بی امان حافظ با ریاکاری و دیگر مفاسد اجتماعی در بسیاری از اشعار او هویداست. حافظ رندی را گنج پنهان می داند و می گوید که رندی تاجی است که به افرادی استثنایی اعطا می گردد. حافظ ره یافتگان به گنج رندی را مخاطب قرار داده و به آنان پند می دهد تا ارزش این متاع بسیار نایابی را که به دست آورده اند، بدانند:

فرصت شمر طریقه رندی که این نشان / چون راه گنج بر همه کس آشکاره نیست
حافظ معتقد بود که رند باید برخلاف زاهد از غرور مبرا باشد و خود را دانای همه اسرار هستی نداند و همواره در طلب دانایی بیشتر باشد که این تنها راه سلامت است:
زاهد غرور داشت سلامت نبرد راه / رند از ره نیاز بدارالسلام رفت
با این حال حافظ عقیده دارد که رند برخلاف ظاهر بی ادعای خود از باطنی بسیار غنی برخوردار است:

غلام همت آن رند عاقبت سوزم / که در گدا صفتی کیمیاگری داند

حافظ رند را کسی می داند که به سود و زیان توجه چندانی ندارد. هیچ سودی ولو معنوی وی را چندان شاد و هیچ ضرری وی را غمگین نمی سازد؛ چرا که وی معتقد است که انسان رند خویشتن را از تمامی دلبستگیها رهانیده است:

نام حافظ رقم نیک پذیرفت ولی / پیش رندان رقم سود و زیان این همه نیست
و به نظر حافظ سعادت راه بردن به کوی رندی تنها نصیب انسانهای دردمند و دارای پختگی روحی می شود:

اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست / رهروی باید جهان سوزی نه خامی بیغمی
داشتن همت عالی از دیگر صفات این اشخاص است:

همت عالی طلب جام مرصع گو مباش / رند را آب عنب یاقوت رمانی بود

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف برخی پندارهای ناصواب درباره مفهوم رندی، از نظر حافظ رندی نه تنها دارای معنایی منفی و خلاف اخلاق نیست، بلکه مفهومی است مزین به انواع اخلاق پسندیده اصول اخلاقی مانند انسان دوستی، همت عالی، سعی و کوشش، امید و رجاء، قناعت و استغنا، وفاداری به عهد و پیمان، تسلیم و رضا، صبر و بردباری، فروتنی، فانی دانستن عالم، مدارا و تحمل، خلق نیکو، آزادگی و راستگویی.

این بود مختصری درباره مفاهیم رند و رندی در اشعار حافظ که خدمت خوانندگان گرامی تقدیم شد.

منابع

- ۱- اصول مکتب رندی، مرتضوی منوچهر، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۴ خورشیدی.
- ۲- حافظ‌شناسی، تألیف سعید نیاز کرمانی، شرکت انتشاراتی پاژنگ، ایران، ۱۳۶۶ خورشیدی.
- ۳- دیوان حافظ شیرازی، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، زوار، تهران، چاپ اول ۱۳۲۰ خورشیدی.
- ۴- رندی در شعر حافظ، دکتر فخرالدین مزارعی، انتشارات کویر، ۱۳۷۳ خورشیدی.
